

کارل رادک و اپوزیسیون

طی چند هفته ی گذشته، مطبوعات جهانی سرشار از بحث های قابل توجهی درباره ی «اضمحلال» اپوزیسیون روسیه بوده، و رفیق رادک نیز اغلب به عنوان رهبر گروهی که در حال پیوستن به استالین است، توصیف شده. افراد بی اطلاع- که در غرب، اکثریت را شکل می دهند- چه بسا از این اظهارات چنین نتیجه بگیرند که رادک تنها همین اواخر از اپوزیسیون به سوی سازوبرگ سانتریست ها چرخش کرده است. در واقع نوسان رفیق رادک یک سال و نیم است که ادامه دارد. هنوز درست تر آن خواهد بود که بگوییم مسیر رفیق رادک از سال ۱۹۲۳ بارها نسبت به خط اپوزیسیون به سمت راست یا چپ- عموماً به راست- چرخش داشته و سپس مجدداً به آن بازگشته است. تا سال ۱۹۲۶، رادک بر این باور بود که امکان اجرای هیچ گونه سیاست اقتصادی به جز سیاست استالین و بوخارین وجود ندارد. تا سال ۱۹۲۷ رادک اسیر این توهم بود که همکاری با «باندلر» و گروه او ممکن خواهد بود. رادک مخالف خروج حزب کمونیست چین از کومینتانگ بود. پس از اعتصاب عمومی بریتانیا، رادک مخالف انحلال «کمیته ی انگلیسی-روسی» بود. پس از آن که جناح های چپ و راست کومینتانگ به انقلاب خیانت کردند، رادک مخالف شعار دیکتاتوری پرولتاریا و مدافع دیکتاتوری «دموکراتیک» بود، و این شعار را به همان نحوی تفسیر می کرد که استالین، بوخارین و مارتینف می کردند. در سال ۱۹۲۳-۱۹۲۴، رادک استدلال کرد که تنوری انقلاب مداوم اساساً همان خط استراتژیک نلین است. در سال ۱۹۲۸ او تلاش کرد حول همین مسأله ی

تناقضی کامل را میان لنین و تروتسکی نمایش دهد. او مجبور بود با کمترین تعلل، همان استدلال‌های دست‌چندم و سخیف زینوویف را تکرار کند. از سوی دیگر، در سال ۱۹۲۷ رادک حول مسأله‌ی «ترمیدور» و «دو حزب» یک موضع چپ‌روانه‌ی افراطی اتخاذ کرد. او چندین بار تلاش کرد اعلام کند که ترمیدور نقداً «به پیروزی رسیده» است. تا مدتی او از امضای پلاتفرم سر باز زد، تنها به این دلیل که صراحتاً در دفاع از یک حزب واحد موضع گرفت. در این ترکیب از نتایج مافوق‌چپ و پیش‌فرض‌های راست، هیچ چیز غیرطبیعی به چشم نمی‌خورد. برعکس، تاریخ کمینترن مالمال از چنین ترکیب‌هایی است. به همین ترتیب حرکت رادک به سادگی از نتیجه‌گیری‌های مافوق‌چپ حول مسأله‌ی «ترمیدور» و «دو حزب» به مسیر مصالحه‌ی غیراصولی به سوی زیگزاگ‌های سانت‌ریزم‌چپ، غیرطبیعی نیست. ما در سایر کشورها، به ویژه آلمان شاهد بوده‌ایم چگونه افرادی که اپوزیسیون روسیه را متهم می‌کنند که «به قدر کافی فراتر نرفته است» و بارها بار اعلام کرده‌اند که ترمیدور نقداً «به پیروزی رسیده» است، خود با سادگی با کوله‌باری سبک به سوی اردوی سوسیال‌دموکرات‌ها حرکت کرده‌اند.

مطمناً هیچ‌یک از ما قصد ندارد رادک را با بادنما مقایسه کند. رادک بابت یک ربع قرن فعالیت مارکسیستی انقلابی، شایسته‌ی تحسین است. او نه فقط قادر به حمایت از سوسیال‌دموکرات‌ها نیست، بلکه حتی تردید هست که بتواند به استالین‌ها بپیوندد. هر اتفاقی هم که رخ دهد، او قادر نخواهد بود در کنار آن‌ها زندگی کند. او تا آن حد مارکسیست، و حتی مهم‌تر از این، انترناسیونالیست هست که نتواند چنین کند. بدبختی رادک در همان جایی نهفته است که قوت او؛ یعنی در شتابزدگی او.

رادک بی تردید یکی از بهترین ژورنالیست های مارکسیست در جهان است. موضوع تنها دقت و قدرت سبک او نیست. خیر، بلکه پیش از هر چیز توانایی او به واکنش با سرعت حیرات آور به پدیده ها و گرایش های جدید و حتی نخستین نشانه های آن ها است. این نقطه ی قوت رادک است. اما نقطه ی قوت یک ژورنالیست به منشأ ضعف او در یک سیاستمدار تبدیل می شود. رادک بیش از حد اغراق و پیش بینی می کند. وقتی موضوع تنها چند اینچ است، او از وجب استفاده می کند. بنابراین او تقریباً همیشه خود را در سمت راست یا چپ خط صحیح- اغلب در سمت راست- می یابد.

تا زمانی که در مسکو زندگی می کردیم، رادک به اپوزیسیون خدمت می کرد. در تقریباً هر نشست، او با پیشنهادهایی برای تغییرات تعیین کننده در سیاست اپوزیسیون- به طور کلی، یا این یا آن مسأله- سر می رسید. او اغلب با مقاومت دوستانه رو به رو می شد و خیلی زود هم مجاب می شد. اما در زیر ابداعات اغراق آمیز و خطرناک او، هر کسی می توانست اغلب مشاهداتی ارزشمند یا عقایدی نوین را بیابد. به همین خاطر است که مشارکت رادک همواره به نفع کار جمعی بود. و هیچ یک از ما به فکر تهیه ی یک فهرست از زیگزاگ های متعدد رادک- به راست و همین طور چپ؛ اگر چه اغلب بیش تر به راست بود تا چپ- نبود؛ با این حال مشکل این است که از سال ۱۹۲۹، گروه اصلی اپوزیسیون پراکنده شده است. همه ی ما با فواصلی عظیم از یکدیگر جدا و به حال خود رها شدیم. به وضوح تحت چنین شرایطی بود که شتابزدگی افراطی رادک برای او گران تمام می شد.

از فوریه ی ۱۹۲۸، رفیق رادک چرخش بسیار سریعی حول مسأله ی ترمیدور « دو حزب» کرده است. او احتمال مقاومت سانتریست ها در برابر جناح راست را پیش بینی نمی کرد؛ همان افرادی هم که برای نخستین بار از خود

ما درباره ی ترمیدور چیزی شنیده بودند و بلافاصله سوگند می خوردند که ترمیدور نقداً «به پیروزی رسیده» چنین پیش بینی ای نمی کردند. از آن جا که رادک صرفاً عبارات کلی و توخالی را تکرار نمی کند، بلکه تلاش می کند واقعیات را مشاهده و درک کند، او به منتهی الیه نقطه ی مقابل کشیده شد. از فوریه ی ۱۹۲۸، استالینست ها به تدریج برای او به صورت مارکسیست جلوه می کردند و ترمیدور به عنوان تقریباً یک اسطوره. اگر همه ی ما در مسکو بودیم، رادک احتمالاً بعد از نخستین اغراق های خود کمی آرام گرفته بود، تا زمانی که فکر بکر دیگری به ذهنش خطور کند. اما رادک در سیبری بود. او نامه ها و تزهایی را به شماری از دوستان ارسال داشت. همه به او پریدند. نامه نگاری ها به دست «گ. پ. او.» قطع و به کمیته ی مرکزی منتقل شد. یاروسلاوسکی دیدگاه های رادک را در نشست ها گزارش کرد، و کل وضعیت را به دلیل نبود درک صحیح و با گفتن دروغ های بدخواهانه، گل آلود کرد. بنابراین رادک گرفتار خصلت شتابزده ی خود شد. او برای تقویت موضع خود، شروع به قلب و تغییر واقعیات کرد. او بیش از پیش وادار شد که برای توجیه خود، زیگزاک های استالین را بپوشاند.

این موضوع، همان طور که اشاره شد، طی یک سال و نیم گذشته در جریان بوده است. در ژوئیه ی سال گذشته، رادک پیش نویس فراخوان به کنگره ی ششم را نوشت. در عین حال هنوز به تبعیدی ها اجازه داده می شد که تا حدی آزادانه مکاتبه داشته باشند؛ استالینست ها امید داشتند که شکاف، خود را سریع تر نشان دهد. به واسطه ی تلگرام هایی که میان جماعتی از حامیان اپوزیسیون رد و بدل شد، نوعی رأی گیری حول دو متن فراخوان به کنگره ی ششم صورت گرفت. رادک شش رأی آورد. متن پیش نویس من از سوی چند صد نفر امضا شد. در پایان رادک نیز نام خود را به بیانیه ی جمعی ضمیمه کرد.

در روز ۱۷ ژوئیه ی ۱۹۲۸، من پیش نویس تزه‌های رادک را در نامه ای که به تبعیدی ها و مسکو نوشتم، مورد تحلیل قرار دادم. اکنون انتشار این تحلیل^۱ را به موقع می دانم. امیدوارم خواننده از این طریق متقاعد شود که رادک که در سال ۱۹۲۹ کم تر به اشتباهات خود در سال ۱۹۲۸ اضافه کرده است. به هر رو، این زیگزاگ های فردی یا گروهی، حتی زمانی که با بهترین نیت صورت گرفته باشد، نمی تواند اپوزیسیون را از مسیرش منحرف سازد.

تروتسکی
۲۶ مارس ۱۹۲۹

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵

^۱ - رجوع شود به: لئون تروتسکی، «تزه‌های رفیق رادک»، ژوئیه ی ۱۹۲۸